

دکتر آگوست کانکل، تواریخ، جلسه ۱۴، حضور الهی

گاس کنکل و تد هیلدبرانت © 2024

این دکتر آگوست کانکل در حال تدریس در مورد کتاب‌های تواریخ است. این جلسه ۱۴، حضور الهی است.

در این جلسه، می‌خواهیم به ادامه‌ی ارائه‌ی معبد توسط تواریخ پردازیم.

بخش بزرگی از این نمایش، نصب صندوق عهد است. همانطور که قبلاً در مورد عملکرد معبد تأکید کردیم، دلیل اهمیت این امر این است که نمایانگر رابطه بین قدوس، خالق، حیات‌بخش و کسانی است که او به آنها حیات می‌بخشد، و به ویژه کسانی که او را در آن زندگی نمایندگی می‌کنند، یعنی کسانی که به تصویر او هستند، ما به عنوان قوم او. بنابراین، قرار دادن صندوق عهد در مقدس‌ترین مکان، یکی از مراسم بزرگ و از اهمیت بالایی برخوردار است.

در قرار دادن صندوق عهد در معبد است که به ویژه می‌بینیم آنچه این صندوق نشان می‌دهد حضور الهی، در خلقت است، اما نه حضور الهی به این معنا که خداوند به نوعی فضا و زمان را محدود کرده است. بلکه حضور الهی را از نظر حکومت خداوند نشان می‌دهد. تقدس و حیات در ذهن عبری تقریباً مترادف هستند، زیرا حیات فقط می‌تواند از امر مقدس ناشی شود.

حیات ذاتی امر مشترک نیست. هیچ چیز در عناصر زمین، آنطور که ما می‌شناسیم، قدرت تولید چیزی را که ما حیات می‌نامیم، ندارد. این یک موهبت است.

این چیزی است که مقدس می‌شود. این همان تصویری است که عبرانیان از آن دارند. بنابراین، این قدرت حیات‌بخش، این تقدس، و از این نظر حضور خدا به ویژه در نصب صندوق عهد دیده می‌شود.

بنابراین از فصل ۵، آیه ۲، تا فصل ۶، آیه ۱۱، کل مراسمی را داریم که در آن صندوق عهد از خیمه‌ای که داوود هنگام آوردن آن از قریات یاریم، آن را در آن قرار داده بود، به مقدس‌ترین مکان معبد منتقل می‌شود. و البته، همانطور که قبلاً اشاره کردیم، این مقدس‌ترین مکان، مکانی اختصاصی خارج از زمین مشترک، زمینی که خدا آفریده است، است. و بنابراین، این مکان توسط تاریکی مشخص می‌شود.

این استعاره‌ی مناسبی است به این معنا که تاریکی ما را از مفهوم محدود بودن خدا به زمان و همچنین محدود بودن خدا به مکان دور می‌کند. از آنجا که خدا زمان و مکان را آفریده است، محدود به این چیزها نیست.

بنابراین، تاریکی، راهی برای نشان دادن این بُعد از تقدس است. البته، خدا را می‌توان با نور نیز نمادین کرد. و در مزمور ۱۰۴، این استعاره را به شیوه‌ای بسیار پویا و قدرتمند به کار می‌بریم که خدا شکوه نور است، و او شکوه تمام زندگی است، و این زیباست.

بنابراین اینطور نیست که زندگی نتواند نمایانگر زندگی و خوبی باشد و نمی‌تواند نمایانگر خدا باشد. زندگی نمایانگر خدا و نمایانگر زندگی است و عیسی نور جهان است. اما مقدس‌ترین مکان در معبد، نمایانگر چیز دیگری است.

این نشان دهنده این واقعیت است که خدا خارج از زمان و مکان قرار دارد. بهترین راه برای نشان دادن این موضوع، استفاده از تاریکی است. زیرا در تاریکی، ما چیزی در مورد مکان نمی‌دانیم و در تاریکی، چیزی در مورد زمان نمی‌دانیم.

آن دسته از افرادی که به بدترین رنج‌ها محکوم شده‌اند، یعنی در سلولی تاریک که حتی تصویری از روز یا شب یا گذشت زمان ندارید، نگهداری می‌شوند، واقعاً نشان می‌دهد که برای عملکرد طبیعی، باید چیزی در مورد زمان و فقط چیزی در مورد مکان بدانیم. قرار دادن یک فرد در چنین شرایطی، که بارها انجام شده است، آزار و اذیت مطلق است. اما از نظر نمایندگی خدا، مناسب‌ترین کار است، زیرا یادآوری می‌کند که خدا در بُعد دیگری است.

بنابراین، صندوق عهد در داخل مقدس‌ترین مکان قرار می‌گیرد که نشان دهنده حکومت خداست. حال، باید دوباره نکته‌ای کوچک در مورد سکونت بیان شود. وقتی کلمه سکونت را می‌شنویم، جایی که خدا نام خود را برای سکونت قرار داده است یا مکانی که خدا برای سکونت خود انتخاب کرده است، تمایل داریم سکونت را به عنوان یک مکان در نظر بگیریم و اینکه نوعی روش خاص برای حضور خدا در اینجا وجود دارد.

اما سلیمان این موضوع را انکار خواهد کرد. او خواهد گفت، آسمان آسمان‌ها گنجایش تو را ندارد، چه رسد به این خانه‌ای که من ساختم. پس، سکونت کردن به چه معناست؟ خب، ما در واقع وقتی به نحوه‌ی استفاده‌ی دیگر پادشاهان باستان از کلمه‌ی سکونت نگاه می‌کنیم، به درستی منظور آنها از سکونت را درک می‌کنیم.

بنابراین، یک پادشاه مجسمه‌ای را در یک قلمرو خاص قرار می‌دهد، و وقتی آن را در آن قلمرو قرار می‌دهد، به شما می‌گوید که او در آنجا ساکن است. حال، این بدان معنا نیست که پادشاه، به نوعی فیزیکی، آنجا حضور دارد. او آنجا نیست.

این فقط نمادی از پادشاه است. او آنجا ساکن نیست. منظور این است که او آنجا حکومت می‌کند.

بنابراین، این را می‌توان از کتیبه‌های بسیار زیادی نشان داد. وقتی خدا می‌گوید، آنجا محل سکونت من است. منظورش این است که اینجا نشان دهنده حکومت من است. کروی‌بان اصلاً برای همین هستند.

بنابراین، باید این فکر را از ذهن خود بیرون کنیم که عبرانیان به نوعی احساس می‌کردند که حضور فیزیکی خاصی از خدا در اینجا وجود دارد. آنها اینگونه قداست خدا را به ابعاد خودشان تقلیل نمی‌دادند. آنها این کار را نمی‌کردند.

بلکه، آنها اعتراف می‌کردند که خدا حاکم تمام زمین است. و این نمایانگر این واقعیت است که او در تمام زمین حکومت می‌کند. بنابراین، همانطور که می‌دانید، وقتی صندوق عهد در مقدس‌ترین مکان قرار می‌گیرد، آتش وجود دارد و جلالی که کاملاً فراگیر است.

این دقیقاً همان چیزی را نشان می‌دهد که هنگام تقدیم خیمه توسط موسی در پایان کتاب خروج در فصل ۳۴ اتفاق افتاد. این یک تکرار است. همان چیزی که هنگام تقدیم قربانی توسط داوود در خرمناگه آرونا اتفاق ۳۴ افتاد، زمانی که گفت اینجا محل معبد خواهد بود.

خداوند این واقعیت را آشکار می‌کند که در میان ما حضور دارد، به این معنا که در میان ما حکومت می‌کند. او به ما زندگی می‌بخشد. ما به او وابسته‌ایم.

یک شعر کوچک آنجا هست. در تواریخ کاملاً خلاصه شده و در پادشاهان هم کاملاً خلاصه شده است. اما از نسخه‌های مختلف آن در تمام نسخه‌های خطی کتاب مقدس، می‌توانیم آن را کمی کامل‌تر بازتولید کنیم.

نه اینکه خیلی مهم باشد. اصل معنای آن را تغییر نمی‌دهد، اما کمی آن را برای ما کامل می‌کند. خداوند پسر خود را در آسمان‌ها آشکار کرد.

او ترجیح داده است که در تاریکی عمیق ساکن شود و می‌گوید، خانه‌ی مرا بسازید، خانه‌ای شایسته‌ی و همچنین LXX خودتان که بتوانید به شیوه‌ای جدید در آن ساکن شوید. همانطور که می‌بینید، این خانه از کتاب پادشاهان ساخته شده است. بنابراین، خدا در حال ساختن خانه‌ای است تا بتواند حضور خود را در میان ما به شیوه‌ای جدید آشکار کند.

حالا، نحوه‌ای که مزامیر بخشی از این را منعکس می‌کنند. در اینجا، من مزمور ۳۶، آیات هشت و نه را دارم. جایی که در مورد معبد صحبت می‌کند. این واقعاً در مورد نحوه‌ای است که معبد نمایانگر زندگی است.

می‌توانید به گذشته نگاه کنید تا مضمون این آیات را ببینید، اما آنها از فراوانی خانه تو لذت می‌برند. تو به آنها از نهر نور خود می‌نوشانی، زیرا چشمه حیات در نور تو نزد توست. ما نور را می‌بینیم.

این جشنی است برای آنچه معبد نمایانگر آن است و شیوه‌ای که جلال و زیبایی تمام آفرینش اطراف ما از جانب خدا می‌آید اما توسط معبد نمایانده می‌شود. یا در اینجا سطر دیگری داریم که از مزمور ۱۳۴، آخرین مزامیر از مزامیر صعودی، همانطور که ما در مزامیر می‌نامیم، آمده است. دست‌ان خود را در محراب بلند کنید و خداوند را ستایش کنید.

باشد که یهوه شما را از صهیون، خالق آسمان و زمین، برکت دهد. بنابراین، خالق آسمان و زمین و معبد ارتباط بسیار نزدیکی با هم دارند. معبد نمایانگر خلقت است و مقدس‌ترین مکان نمایانگر خالق.

بنابراین، به دعای تقدیم سلیمان می‌رسیم، جایی که سلیمان به عملکرد معبد اعتراف می‌کند. این مکان، مکان خدا نیست؛ بلکه مکانی است که نمایانگر حکومت اوست. این مکان نمی‌توانست مکان خدا باشد، زیرا عرش خدا، آسمان‌ها و بهشت آسمان‌ها است.

بنابراین، این فضای او نیست، بلکه مکانی است که او از آن حکومت می‌کند. و این موضوع در این فصل کاملاً روشن شده است. بهشت عرش من است.

زمین، زیرپای من است. خانه‌ای که برای من خواهی ساخت کجاست؟ آرامگاه من کجا خواهد بود؟ مگر دست من همه این چیزها را نساخته است که به وجود آمده‌اند؟ حال، در آن بخش پایانی و پایانی کتاب اشعیا، یک پیشگویی فوق‌العاده وجود دارد که دقیقاً نشان می‌دهد معبد چیست. در بخش پایانی کتاب اشعیا، اختلافات زیادی بین گروه‌های مختلف مردم و پرستش خدا وجود دارد.

اما این یک اعلام پیروزی است که از سوی گروهی می‌آید که می‌خواهد خدا و حضور او را با ایمان درک کند و بنابراین، نکته این است که ما نمی‌توانیم اجازه دهیم این آیین‌های اطراف معبد به نوعی فکر کنند که نوعی قدرت ضمنی در خود دارند، که صرفاً به دلیل انجام این آیین، شما به تصدیق و پرستش خدا دست یافته‌اید. نه، این فقط یک آیین است.

این فقط کاری است که انجام می‌دهید. اگر معنی‌اش را بدانید، اهمیت دارد. اما اگر معنی‌اش را ندانید، فقط یک عمل دیگر است.

خب، ما همیشه این نوع آیین‌ها را داریم. من یک داستان کوتاه دارم که می‌توانم تعریف کنم. اگر اینجا نگاه کنید، می‌توانید روی انگشت من یک حلقه ازدواج ببینید.

و وقتی به عروسی می‌رویم، همیشه مراسم خاصی برای انداختن این حلقه در انگشت چهارم دست چپ وجود دارد، زیرا نمادی از نذری است که ادا می‌شود. حالا، می‌توانید هر نوع حلقه‌ای را در یک انگشت قرار دهید، و این فقط انداختن حلقه در یک انگشت است. می‌توانید حلقه ازدواج را در یک انگشت قرار دهید، اما اگر بخشی از مراسم نباشد، هیچ معنایی ندارد.

با این حال، وقتی بخشی از آن مراسم می‌شود، دیگر فقط یک رسم نیست. دیگر فقط یک عمل نیست. و من فهمیدم که این چقدر مهم است زیرا طی یک سری اتفاقات، تا حدودی به دلیل هیجان و بی‌دقتی من حلقه‌ها را فراموش کردم.

نتیجه این شد که آنها مجبور شدند برگردند تا آورده شوند. نتیجه این شد که مردم در محراب نشستند و حدود 20 تا 30 دقیقه منتظر ماندند، به صدای نوازنده ارگ گوش دادند و منتظر ماندند تا داماد با حلقه‌ها از راه برسد. بدون این مراسم، نمی‌شود با کسی کنار آمد.

خب، من از این واقعیت درس گرفتم که نمی‌شود بدون حلقه ازدواج کرد. اما در این زمینه شما را به چالش می‌کشم که بدون حلقه ازدواج کنید. فهمیدم که نمی‌توانید این کار را به راحتی انجام دهید.

خب، معبد هم کمی به همین شکل است. و این چیزی است که پیامبر اینجا می‌گوید. این ساختمان چیست؟ خب، این فقط یک ساختمان در قلمرو عمومی است.

اگر نمی‌فهمید که این ساختمان نمایانگر چیست و این آیین‌ها برای چیست، پس هیچ چیز نیست. خب، این خانه چیست؟ به یاد داشته باشید که نمایانگر چیست. نمایانگر کسی است که همه این چیزها را خلق کرده تا به وجود بیایند.

این معبد روزگار وقایع‌نگار است. این عباراتی است که وقایع‌نگار در ذهن دارد. بنابراین، وقایع‌نگار به نتیجه‌گیری‌های خودش از درخواست‌های سلیمان در مزمور ۶ می‌رسد. اینجاست که او فقط از کتاب پادشاهان، که منبع اوست، پیروی نمی‌کند.

اما او به مزمور ۱۳۲، آیات ۸ تا ۱۰ برمی‌گردد. و مزمور ۱۳۲، آیات ۸ تا ۱۰ چیست؟ این کل روایت آوردن صندوق عهد توسط داوود از قریات و قرار دادن آن در مقدس‌ترین مکان است تا جایگاه استراحت خود را داشته باشد و نمایانگر خدا باشد. و این همان چیزی است که این آیات به طور خاص در آیات ۸ تا ۱۰ می‌گویند.

آنها می‌گویند که خدا اکنون قیام خواهد کرد. او این واقعیت را نشان می‌دهد که پادشاه است. او کسی است که سلطنت می‌کند زیرا صندوق عهد در جای خود قرار دارد و نمایانگر قدرت و حضور اوست.

وقایع‌نگار این آیه را با آیه بسیار مهم دیگری از اشعیا ۵۴ ترکیب می‌کند. اشعیا ۵۴ با اشاره به داوود و وعده داوود، بخش بسیار مهمی از کتاب را به پایان می‌رساند. همانطور که دیده‌ایم، وعده داوود برای وقایع‌نگار بسیار بسیار مهم است.

در واقع، تمام تصور او از اینکه آنها به عنوان یک قوم چه کسانی هستند، به این وعده داوود بستگی دارد. و اشعیا ۵۴ می‌گوید، خداوند رحمت‌های حتمی داوود را به یاد خواهد داشت. حال، رحمت‌های حتمی داوود رحمت‌هایی نیستند که داوود انجام داده باشد، بلکه رحمت‌هایی هستند که خداوند تضمین کرده بود که داوود دریافت خواهد کرد.

این همان چیزی است که در اشعیا ۵۴ به آن اشاره شده است. و این همان چیزی است که وقایع‌نگار در اینجا به آن اشاره می‌کند. اکنون ما شاهدیم که خدا رحمت‌های حتمی داوود را به اجرا می‌گذارد.

بنابراین، در دوم تواریخ ۷، ما حضور الهی، مراسم وقف و سپس رؤیا را داریم. وقایع‌نگار نمی‌گوید که این اتفاق در جبعون رخ داده است، همانطور که در پادشاهان آمده است، اما سلیمان این رؤیا را می‌بیند. و واقعاً، بسیاری از همان هشدارها را در خود دارد.

بی‌وفایی و این معبد از بین رفته‌اند، و مردم از اینکه چگونه چنین بنای باشکوهی می‌تواند به این سادگی ناپدید شود، شگفت‌زده خواهند شد. اما آنچه در اینجا واقعاً از همه مهم‌تر است، آیه ۱۴ است. و از بسیاری جهات، این آیه تمام واژگان کلیدی وقایع‌نگار را در خود جای داده است.

اگر قوم من، که به نام من خوانده می‌شوند، خود را فروتن کنند. حال، ما هنوز به آن کلمه اشاره نکرده‌ایم، اما این کلمه برای وقایع‌نگار بسیار مهم است. فروتن کردن خودمان

احتمالاً این یکی از سخت‌ترین کارها برای ما انسان‌هاست. فروتنی به هیچ وجه برای ما طبیعی نیست. ما دوست داریم بر قدرت، توانایی و کارهایی که می‌توانیم انجام دهیم تأکید کنیم.

اما در برابر خدا، ما فقط می‌توانیم فروتن باشیم. اگر قوم من، که به نام من خوانده می‌شوند، خود را فروتن کنند، دعا کنند و روی مرا بجویند، آنگاه من از آسمان خواهم شنید، نه فقط از این معبد، بلکه از آسمان خواهم شنید، و رو خواهم کرد و شفا خواهم داد. حال، این واژگان بسیار کلیدی هستند.

وقتی وقایع‌نگار به بحث در مورد پادشاهانی که قرار است در جلسات آینده به آنها پردازیم می‌رسد، سوال بزرگ این است که آیا آنها می‌دانند چگونه خود را فروتن کنند؟ آیا می‌دانند چگونه به دنبال روی خدا باشند؟ و آیا شفای خدا را تجربه خواهند کرد؟ اینها همه کلماتی هستند که او بارها و بارها از آنها استفاده خواهد کرد. متأسفانه، در نهایت، آنچه آنها را مشخص می‌کند همان چیزی است که شائلول را مشخص می‌کند. آنها بی‌وفا بودند.

اما وقایع‌نگار نمونه‌های قدرتمندی از آنچه می‌تواند اتفاق بیفتد، اگر فروتن شوید، اگر به دنبال روی خدا باشید، و اگر شفای او را تجربه کنید، ارائه می‌دهد.

این دکتر آگوست کانکل در آموزه‌هایش در مورد کتاب‌های وقایع‌نگار است. این جلسه ۱۴، حضور الهی است.